

تأملی بر رویکرد دولت باکو در مواجهه با امواج اعتراضی

well/خبرگزاری آران

نویسنده: فاطمه عطری // ایراس

خبرگزاری آران / آذربایجان

مقدمه

به دنبال اوج‌گیری اعتراضات و تظاهرات مردمی در کشورهای مختلف بویژه کشورهای عربی نسبت به سیاست‌های دولت‌ها و نیز فقدان آزادی در این کشورها، احزاب سیاسی و مردم جمهوری آذربایجان نیز چند ماهی است که دست به سلسله اعتراضاتی زده‌اند. در بررسی علل و عوامل شکل‌گیری این اعتراضات از سوی تحلیل‌گران و البته خود گروه‌های مخالف دولت و احزاب اپوزیسیون، دلایل مختلفی مطرح می‌شود. با این حال رویکرد دولت آذربایجان نسبت به این اعتراضات دوگانه بوده است. مقامات رسمی این کشور بیش از هر چیز تمایل دارند تا در تبیین ماهیت این رشته اعتراضات مردمی، بر نقش قدرت‌های بیگانه تأکید کنند و ناراضی‌هایی موجود را ناشی از تحریک کشورهای خارجی بدانند. اما در عین حال، دولت انجام برخی اقدامات اصلاحی برای تقویت ثبات در کشور و حفظ قدرت را نیز در دستور کار قرار داده است. برای بررسی بیشتر تحولات جمهوری آذربایجان و نیز تبیین اقدامات مخالفان و دولت، لازم است نگاهی به مواضع همه طرف‌های درگیر داشته باشیم.

اعتراضات در باکو: اهداف مخالفان

شاید بتوان گفت جرعه اعتراضات در جمهوری آذربایجان به دنبال ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در دبیرستان‌های این کشور زده شد - طی ماه‌های اخیر ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ضد اسلامی در جمهوری آذربایجان افزایش یافته و این محدودیت‌ها از دسامبر گذشته نیز با ممنوعیت حجاب در مدارس متوسطه و بازداشت فعالان اسلامی وارد روند جدیدی شده است - با این حال در جریان رویدادهای بعدی، احزاب مختلف خواسته‌های گوناگونی را مطرح کردند که از تلاش برای آزادی قره‌باغ تا دادن آزادی‌های بیشتر را شامل می‌شود. برای مثال حزب اسلام جمهوری آذربایجان اهداف برپایی اعتراضات را درخواست مطالبات مردم از دولت به منظور اتخاذ اقدامات موثر برای پایان اشغال قره‌باغ، توقف سیاست اسلام‌ستیزی، پرهیز دولت از اعمال محدودیت و ممنوعیت علیه شعایر دینی از جمله حجاب و نیز آزادی فوری تمام زندانیان اسلامگرا و مدافعان حجاب اعلام کرد.[1] این در حالی بود که احزاب مخالف و غربگرای جمهوری آذربایجان - مانند جبهه خلق آزادی و مساوات - هم با دعوت از مردم، برای اعتراض علیه سیاست‌های دولت تقاضاهایی همچون استعفای دولت و همچنین برقراری دموکراسی واقعی و آزادی سیاسی را مطرح کردند.[2]

نگاه دولت به اعتراضات

واکنش دولت به اعتراضات در این کشور متفاوت بوده و ابعاد گوناگونی داشته است. دولت جمهوری آذربایجان در مراحل مختلف سعی کرده است این اعتراضات را به عوامل خارجی نسبت دهد. در این میان انگشت اتهام گاهی به سوی کشورهای همسایه و گاهی نیز به سوی غرب و یا حتی گروه‌های تروریستی نشانه رفته است. برای مثال در برخی محافل رسمی و غیررسمی این کشور مباحثی پیرامون ناراحتی ایران از اعلام منع حجاب در مدارس جمهوری آذربایجان و دخالت آن در این مساله مطرح شد.[3] از طرفی «علی کریملی» رییس حزب جبهه خلق جمهوری آذربایجان با اشاره به ادعای برخی رسانه‌ها مبنی بر ارتباط این حزب با گروه‌های رادیکال وابسته به کشورهای خارجی و القاعده برای برگزاری تظاهرات، این ادعاها را ناشی از نگرانی دولت از روند آغاز موج گسترده تظاهرات مخالفان دانست.[4]

این در حالیست که چنانکه پیشتر گفته شد، مخالفت‌های مردمی در این کشور گروه‌های مختلفی از مردم را شامل می‌شود و فقط به اسلامگرایان یا غربگرایان محدود نمی‌شود. اینکه مقامات رسمی جمهوری آذربایجان از کدام ناحیه بیشتر احساس تهدید می‌کنند نیز نکته‌ای است که هنوز کاملاً مشخص نیست. برای مثال برخی پیشنهاد مکان تظاهرات از سوی فرمانداری باکو به احزاب غربگرای عضو پارلمان مردمی و عدم چنین پیشنهادی برای حزب اسلام را نشان‌دهنده نگرانی محافل دولتی از جایگاه حزب اسلام جمهوری آذربایجان در میان مردم مسلمان این کشور که اکثریت را تشکیل می‌دهند، می‌دانند.[5] اما برخی نشانه‌ها نیز حاکی از ناخشنودی مقامات این کشور از موضع غرب در این تحولات است. در این رابطه جمهوری آذربایجان آموزش‌های نظامی و رمزایش مشترک با آمریکا را که قرار بود 15 تا 20 ماه می 2011 (25 تا 30 اردیبهشت ماه) برگزار شود، لغو کرده است که دلایل متعددی برای آن بیان می‌شود.

یکی از دلایل این اقدام باکو، نظر روسیه در مخالفت با حضور نیروهای بیگانه در منطقه (بویژه بعد از جنگ اوت 2008 روسیه با گرجستان) و اعمال فشار مسکو بر برخی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان ذکر شده است. دلیل دیگری که برای اقدام دولت آذربایجان در لغو رمزایش نظامی مشترک با آمریکا مطرح شده است، درخواست اخیر آمریکا از باکو برای انجام اصلاحات دموکراتیک در این کشور و انتشار گزارشی در امریکا مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری آذربایجان - با توجه به مخالفت این کشور با برگزاری تظاهرات احزاب مخالف است.[6] البته همکاری نظامی دو کشور مدتی است که در حال افول است و سوء تفاهم در این زمینه به وقایع اخیر محدود نمی‌شود. از سال 1994 که همکاری‌های نظامی امریکا و جمهوری آذربایجان آغاز شده است هیچ کدام از جهت‌گیری‌های این همکاری‌ها معطوف به قره‌باغ نبوده؛ در حالی که به نظر می‌رسد کم‌کم به آذربایجان در مساله قره‌باغ، هدف اصلی باکو از این همکاری‌ها بوده است و از این رو نیز ارمنستان تا به حال به همکاری‌های نظامی امریکا و جمهوری آذربایجان اعتراض نکرده است.[7]

از سوی دیگر دولت اگرچه با اعتراضات مردمی مخالفت می‌کند و آن را به نیروهای خارجی نسبت می‌دهد، اما در عمل برای حفظ خود دست به اصلاحاتی نیز زده است. مقامات بلندپایه جمهوری آذربایجان برای جلوگیری از سرایت قیام‌های مردمی به این کشور، اجرای برخی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را به منظور حفظ ثبات آغاز کرده‌اند. مبارزه با فساد اداری و رشوه و نیز کاهش تعرفه‌های گمرکی مواد غذایی برای کاستن از فشار اقتصادی بر مردم، از جمله اقداماتی هستند که به این منظور صورت گرفته‌اند. همچنین دولت با افزایش دستمزد برخی از مشاغل امنیتی و نیروهای انتظامی درصدد است دلگرمی بیشتری برای این قشر که بسیاری از آنها با مردم رابطه مستقیم دارند، ایجاد کند. روزنامه‌های چاپ باکو نیز اخبار مربوط به برکناری افراد مرتبط با فساد اداری را به طور گسترده و برجسته منتشر می‌کنند تا مردم بدانند که مبارزه با فساد اداری در این کشور به صورت جدی دنبال می‌شود؛[8]

اگرچه در همین مجموعه اقدامات نیز، محدود بودن برخوردها به سطوح پایین می‌تواند بیش از آنکه مفید واقع شود، تهدیدکننده باشد. برای مثال تاکنون تنها برخی از مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی و تعدادی از کارکنان دستگاه‌های اجرایی به علت دریافت رشوه از کار خود برکنار شده‌اند.[9] این در حالیست که اولاً مبارزه با فساد باید در همه سطوح و لایه‌های مدیریتی اجرا شود و دیگر اینکه فساد اداری و مشکلات اقتصادی تنها بخشی از موارد ایجاد کننده بی‌ثباتی در این کشور است و بخش مهم دیگری از آن، مشکلات ناشی از عدم توجه به جایگاه واقعی اسلام و نیز وجود آزادی‌های سیاسی در این کشور است.

نتیجه‌گیری

اگرچه دولت جمهوری آذربایجان تلاش دارد تا مسئولیت اعتراضات در این کشور را به گردن عوامل خارجی ببنداند، اما واضح است که مجموعه‌ای متنوع از عوامل، موجب این رویدادها گردیده‌اند. عواملی که به غیر از آذربایجان، سایر کشورهای منطقه را نیز تهدید می‌کنند. بیکاری، فقر، فساد مالی، فقدان زمینه‌های گفتگوی سازنده، محدودیت آزادی، ناراضی‌هایی خصوصاً در میان جوانان و تهدید روزنامه نگاران و حتی تهدید اسلامگرایان و ایجاد محدودیت‌های مذهبی گرهایی هستند که باید در این کشور باز شوند. حتی اگر مقامات رسمی آذربایجان نخواهند باور کنند، واقعیت این است که

پس از اقدام دولت باکو از اواخر سال 2010 در فشار به فعالان اسلامی، تنش و رویارویی در این کشور شدت یافته است و پس از آن جوانان و احزاب راست گرا نیز به تظاهرات پرداخته‌اند. بنابراین ادعای دخالت کشورهای همسایه بدون توجه به نقش خود دولت در این حوادث تنها پاک کردن صورت مساله تلقی می‌شود.

در عین حال اصلاحات مورد انجام در جمهوری آذربایجان نمایشی و تنها برای کاستن از خشم مردم بوده و تغییر اساسی در وضعیت زندگی مردم ایجاد نکرده است. از طرفی آمریکا در شرایط سیاسی و افکار عمومی امروز جهان؛ مایل به تغییر چهره سیاسی در کشورهایی است که در زمینه‌های مختلف سیاسی و انرژی همکار این کشور هستند؛ اما به این نتیجه رسیده است که این کشورها (جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی) بدنبال اصلاحات واقعی نیستند. هشدار و نگرانی امریکا از اجتناب‌ناپذیر بودن تسری موج قیام‌های عربی به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در صورت عدم انجام اصلاحات به همین دلیل است و از این‌رو از طریق مخالفان این دولت‌ها یا به صورت دوجانبه در گفتگوها و یا در چارچوب پیام‌های هشدارآمیز، سعی در یادآوری ضرورت اصلاحات به حاکمان این کشورها دارد.[10]

شاید چنین ایده‌ای باعث شد تا «میتوا برابزا» سفیر آمریکا در جمهوری آذربایجان به همراه خانواده‌اش به بهانه گردش، در تجمع هفدهم آوریل احزاب اپوزیسیون غربگرا شرکت کند! [11] نکته مهم و آخر اینکه سیاست تساهل و تسامح غرب در خصوص حل مناقشه قره باغ در طول سال‌های گذشته در قالب گروه مینسک و گاه‌ها حمایت‌های آشکار و تلویحی آمریکا از موضع ارمنستان در خصوص اراضی اشغالی قره باغ و حمایت آمریکا از مخالفان دولت آذربایجان در اعتراضات اخیر، باید دولت این کشور را بیش از پیش متقاعد کند که با انجام اصلاحات واقعی سیاسی و اقتصادی و نیز اتخاذ سیاست گسترش روابط با بازیگران منطقه‌ای، نگرانی‌های خود را از اعمال فشار قدرت‌های پیرامونی و جهانی رفع کند.

پایان پیام.